

علی موسوی گرمارودی

# قرآن می تواند اندککی شاعرانه تر ترجمه شود!



چهره و صدای علی موسوی گرمارودی برای بینندگان برنامه‌های ادبی آشناست. وی متولد سال ۱۳۲۰ در محله چارمردان شهر قم است. دوره دبیرستان را در دبیرستان دین و دانش قم به مدیریت شهید بهشتی گذرانده است. پس از عزیمت به مشهد به مدت چهار سال به یادگیری ادبیات عرب نزد ادیب نیشابوری می‌پردازد. در سال ۱۳۴۵ وارد دانشگاه تهران می‌شود و سه سال بعد با اخذ لیسانس حقوق قضایی از همین دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شود. در همین سال با شعر معروف «خاستگاه نور» در مسابقه محله یغما به سردبیری مرحوم حبیب یغمایی شرکت کرد و نفر اول شد.

اولین دفتر شعر گرمارودی در سال ۱۳۴۹ با عنوان «عبور» چاپ شد که بی‌درنگ از سوی ساواک جمع‌آوری شد. سال ۱۳۵۲ نیز خود وی دستگیر شد و تا سال ۱۳۵۶ در زندان بود و با آغاز حرکت‌های مردمی آزاد شد. وی پس از انقلاب مسئولیتهای فرهنگی مختلفی داشت. تا دو سال پیش ریاست تالار وحدت را عهده‌دار بود و از یک سال پیش به عنوان رایزن فرهنگی ایران در تاجیکستان مشغول به خدمت می‌باشد. در کنار این مسئولیت از مهر ماه سال گذشته مشغول به ترجمه قرآن کریم شد و تاکنون حدود هفت جزء را ترجمه کرده است. به همین بهانه در فرصتی که وی به تهران سفر کرده بود گفت‌وگویی با ایشان انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

○ با توجه به وجود ترجمه‌های مختلفی که امروز در دسترس قرآن پژوهان و عموم مردم قرار دارد چه انگیزه‌ای باعث شد شما ترجمه جدیدی ارائه کنید؟

همان‌طور که خودتان گفتید ترجمه‌های مختلفی در کشورمان موجود است که مترجمین آنها افراد صاحب صلاحیتی هستند، ولی با این حال انگیزه‌هایی وجود داشت که در ادامه به آنها اشاره خواهم کرد. اما پیش از بیان آنها، لازم است یک ضرب‌المثل فرانسوی را نقل کنم. فرانسوی‌ها می‌گویند «ترجمه به زن می‌ماند. اگر زیبا باشد وفادار نیست و اگر وفادار باشد زیبا نیست.» به نظر من نکته درباره ترجمه صادق است هرچند که در مورد زبان کاملاً صادق نیست، یعنی ترجمه اگر بخواهد کاملاً به متن وفادار بماند از زیبایی آن کاسته می‌شود و اگر زیبا و روان باشد ناگزیر از وفاداری کامل به متن باز می‌ماند. من در ترجمه‌های قرآن کریم این دو طیف را مشاهده کردم. دسته‌ای به متن وفادار بودند ولی نثر زیبایی نداشتند و گروهی هم که نثر زیبا داشتند در مواردی به متن وفادار نبودند. متأسفانه در برخی موارد علاوه بر این دو مشکل، برخی از مترجمین حتی در فهم آیه هم دچار مشکل شده‌اند و کاملاً غلط ترجمه کرده‌اند یعنی دریافت آنها اشتباه بوده است.

○ یعنی هیچکدام از ترجمه‌های موجود را در وضعیتی نمی‌بینید که هم نثر خوبی داشته باشد و هم به متن وفادار باشد؟

من چنین چیزی نگفتم. در ترجمه‌های موجود، ترجمه‌های

خوب و بسیار خوب فراوان داریم. در ترجمه‌های موجود ترجمه آقای بهاء‌الدین خرمشاهی را بیشتر از سایر ترجمه‌ها می‌پسندم یعنی بدون اینکه آرایش غلیظی کرده باشد و به فکر قافیه‌اندیشی و رعایت صنایع ادبی باشد، ترجمه هماهنگ و روانی ارائه کرده است که به متن هم وفادار است اما من گمان می‌کنم قرآن کریم می‌تواند اندککی شاعرانه‌تر ترجمه شود و باید چنین شود. لذا سعی کردم چنین ترجمه‌ای ارائه کنم البته سعی خواهم کرد که مانند جناب خرمشاهی از زبان معیار دور نشوم.

○ اگر ممکن است درباره زبان معیار بیشتر توضیح دهید؟

زبان معیار زبانی است که اکثریت مردم یک قوم و فرهیختگان آنها در محدوده جغرافیایی مشخصی و در زمان معینی به طور شفاهی و کتبی با آن تعامل فرهنگی می‌کنند. مثلاً زبان معیار قرن هفتم در ایران با زبان معیار امروز متفاوت است.

○ آیا این تعریف شما مورد قبول و توافق سایر زبان‌شناسان و اساتید ادبیات فارسی هم هست؟

اگر اختلافی هم وجود دارد بر سر مباحثی مانند مجموعه لغات (Vocabulary) و امثال آن است. ولی این را پذیرفته‌اند که این زبان صنعت ادبی ندارد و آراسته و پیراسته نیست. اما از سطح کلام عامیانه بالاتر است.

○ با این توضیحات می‌توان نتیجه گرفت که ترجمه شما به زبان معیار

میراث‌های مکتوب فراوانی وجود دارد. پس از فروپاشی کمونیسم و بروز ناآرامی‌ها در این کشور، برخی از کتابها از کتابخانه‌ها و موزه‌ها به سرقت رفت و برخی نیز از پستوی خانه‌ها بدرآمد. از سوی دیگر به دلیل مشکلات مالی کسانی که این نسخه‌ها را در اختیار داشتند آنها را برای فروش عرضه کردند و دلالتان صهیونیست و غربی با ثمن نجس خریدند. اما پس از اینکه این آشوب‌ها در تاجکستان برطرف شد و حکومت، سامانی به این وضعیت داد، نهادی با عنوان «مرکز میراث خطی» با ریاست آقای «جوری بیکنذری»، متولی جمع‌آوری و نگهداری نسخه‌های خطی شد. می‌توان گفت آن هرج و مرج در امر خرید و فروش میراث‌های مکتوب تا اندازه زیادی برطرف شده است و دولت آنها را گردآوری کرده است. در میان این مجموعه‌های گردآوری شده، نسخه‌های قدیمی و نفیس از قرآن نیز موجود است. این جا در پراتز یادآور شوم که قدیمی‌ترین نسخه از غزل‌های حافظ هم در همین تاجیکستان وجود دارد. یک اثر خطی از دیوان عبید زاکانی موجود است که در حاشیه آن ۴۸ غزل از حافظ نوشته شده و این اثر متعلق به سال ۸۰۷ هجری است، یعنی پانزده سال پس از مرگ حافظ و میکروفیلم آن خوشبختانه به ایران آمده است.

#### وضعیت ترجمه قرآن در تاجیکستان چگونه است؟

تا زمان حاکمیت کمونیست‌ها که اجازه نداشتند و پس از آن هم فرصتی نبوده است تا این کار انجام گیرد. شاید به همین دلیل است که من تاکنون ترجمه‌ای ندیدم. اما ترجمه آقای آیتی به خط سیریلیک در دوشنبه منتشر شده تا برای آنها قابل مطالعه باشد.

#### سیاسگزاریم از اینکه در این گفت‌وگو شرکت نمودید.

نزدیک است و اندکی هم از روح شاعرانه بهره دارد. کاملاً درست است، می‌کوشم زبانی نزدیک به زبان معیار داشته باشد و البته در مواردی که آیات زمینه پرداخت شاعرانه داشته باشند، اندکی هم شاعرانه باشد و آرکائیسیم بسیار دقیقی در آن رعایت شده است. به همین دلیل مثلاً به جای استفاده از کلمه «تاریکی» از «تاریکنا» استفاده کرده‌ام. در ترجمه باید تمام کوشش ما صرف این شود که مفهوم سریع‌تر منتقل گردد. زیرا ترجمه پل ارتباطی میان متن اصلی و زبان دوم است. هر قدر این پل کوتاه‌تر و محکم‌تر باشد و پهنای بیشتری داشته باشد، افراد راحت‌تر و با دغدغه کمتری عبور خواهند کرد.

#### نظراتان درباره ترجمه تحت‌اللفظی چیست؟

ناپسندترین و زشت‌ترین ترجمه قرآن یا هر متن دینی دیگر، ترجمه تحت‌اللفظی است. البته درباره قرآن یک دغدغه وجود دارد که باید حتی ساختار نحوی جملات حفظ شود. کار مشکلی است زیرا مثلاً ساختار جمله در زبان عربی و فارسی کاملاً متفاوت است. در زبان عربی فعل ابتدای جمله می‌آید. مانند «جاء زید» اما در زبان فارسی برعکس است یعنی فعل در آخر جمله می‌آید: «زید آمد» لذا دغدغه اصلی این است که اگر خداوند جمله‌ای را فعلیه آورده است آیا ما هم باید فعلیه ترجمه کنیم یا خیر؟ اما اینکه سعی کنیم تا ما هم فعل را اول جمله بیاوریم، اصلاً صحیح نیست.

اگر موافق هستید بحث ترجمه را پایان دهیم و اندکی هم درباره تاجیکستان صحبت کنیم. در تاجیکستان کتابخانه‌های بزرگی وجود دارد و در برخی از آنها نسخه‌های خطی نفیس از قرآن موجود است. شما با توجه به اینکه با محافل فرهنگی آنجا در ارتباط هستید، چه اطلاعاتی از آنها دارید؟

در تاجیکستان و قسمتی از ازبکستان یعنی سمرقند و بخارا

ترجمه پل ارتباطی میان متن اصلی و زبان دوم است، هر قدر این پل کوتاه‌تر و محکم‌تر باشد افراد راحت‌تر عبور خواهند کرد

در تاجیکستان و قسمتی از ازبکستان یعنی سمرقند و بخارا میراث‌های مکتوب فراوانی وجود دارد

## ترجمه بلندترین آیه قرآن

آیه ۲۸۲ از سوره بقره، بلندترین آیه قرآن کریم است. ترجمه این آیه را از روی ترجمه موسوی گرمارودی می‌خوانیم.

(۲۸۲) ای مومنان، چون وامی برای زمان معینی دادید، آن را به نوشته آرید و باید نویسنده‌ای بین شما به دادگری بنویسد و هر نویسنده‌ای باید از نوشتن به گوته‌ای که خداوند بدو آموخته است، سرباز نزند، و آنکه وامدار است باید املا کند و نویسنده بنویسد و از خداوند پروردگار خویش پروا کند و چیزی از آن کم نهد، بنابراین اگر وامدار سفیه یا ناتوان باشد، یا نتواند املا کند، باید ولی او دادگرانه املا کند و دو تن از مردانتان را نیز گواه بگیرید و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن از گواهان مورد پستند خود (را فرا خوانید) تا اگر یکی از یاد برد، دیگری او را به یاد آورد و چون گواهان فرا خوانده شوند نباید سرباز زنند و تن نزنید از اینکه (وام) را چه خرد و چه بزرگ، به سر رسید آن بنویسید، این نزد خدا دادگرانه‌تر و برای گواه‌گیری، استوارتر و به اینکه دچار تردید نگردید، نزدیکتر است، مگر داد و ستدی نقد باشد (که دست به دست) بین خود

می‌گردانید، که گناهی بر شما نیست اگر آن را ننویسید و چون داد و ستد می‌کنید، گواه بگیرید و نویسنده و گواه نباید زیان ببیند و اگر چنین کنید، (نشان) نافرمانی شماست و از خدا پروا کنید، و خداوند به شما آموزش می‌دهد و خدا به هر چیزی داناست.

#### ترجمه سوره حمد

به نام خداوند بخشنده بخشنده.

(۲) سپاس خداوند راه پروردگار جهانیان.

(۳) بخشنده بخشنده.

(۴) فرمانفرمای روز رستخیز.

(۵) (تتها) تو را می‌پرستیم و (تتها) از تو یاری می‌جوییم.

(۶) ما را به راه راست پایدار یبار.

(۷) راه آنانکه به نعمت پرورده‌ای (و) بر ایشان خشم نیاورده‌ای

و نه گمراهان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
نام خدایه بخشنده هرمان

الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين  
سپاس عرض است که پروردگار جهانیان بخشنده هرمان پادشاه

يوم الدين اياك نعبد و اياك نستعين

يوم الدين اياك نعبد و اياك نستعين  
روز رستم ترا بپرستیم و روز تو طلب ماری نمایم

هدنا الصراط المستقيم صراط الذين انعمت

هدنا الصراط المستقيم صراط الذين انعمت  
راه مای کن ما را براه راست راهات آن کسانی که نعام کرده

عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين

عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين  
برایشان گزراه آنها که خشم کردی برایشان و نه گزراه گمراهان



بسم الله الرحمن الرحيم

تأليف محمد بن محمد

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

سنة ١٠٠٠ هـ

والمؤمنين من آل بيته الطيبين الطاهرين

عليهم السلام

هذا الكتاب المستقيم

الذي كتبه

عليه السلام

عليه السلام

عليه السلام

عليه السلام

عليه السلام

عليه السلام

عليه السلام

عليه السلام

عليه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَذَكِّرْ بِهِ الْقَائِمِينَ لِيَتَذَكَّرُوا

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ طَائِعِينَ وَلَا يُنَادُونَ بِالْحَقِّ إِذْ

يُنزَّلُ إِلَيْهِمْ سُبُوحًا مُتَّبَعِينَ لَا يَنصُرُونَ الْقَائِمِينَ

وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ طَائِعِينَ وَلَا يُنَادُونَ بِالْحَقِّ إِذْ

يُنزَّلُ إِلَيْهِمْ سُبُوحًا مُتَّبَعِينَ لَا يَنصُرُونَ الْقَائِمِينَ

وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ طَائِعِينَ وَلَا يُنَادُونَ بِالْحَقِّ إِذْ

Handwritten marginal notes in Persian script, including the word "تفسیر" (Tafsir).



